



## اوضاع سیاسی کشور و سیاستهای ما برای آزادی، دموکراسی، صلح و امنیت اجتماعی

### اوضاع سیاسی کشور

با حدت یافتن چالش بین جمهوری اسلامی و جامعه جهانی، با تشدید بحران اقتصادی و بحران کارایی و برآمد جنبشهای اجتماعی، وضعیت جدیدی در صحنه سیاسی کشور در حال شکل گیری است. وضعیت سیاسی کشور در شرایط کنونی با موضوع بحران هسته ای، تصمیمات شورای امنیت و تحریم سیاسی، اقتصادی و تسلیحاتی جمهوری اسلامی و احتمال حمله نظامی دولت بوش به ایران گره خورده و اوضاع غیرقابل پیش بینی و پیچیده ای را بوجود آورده است. با این وجود میتوان گفت که وضعیت سیاسی کنونی با توجه به فشارهای بین المللی، بحرانهای درونی و برآمد جنبشهایی اجتماعی، چندان پایدار نیست و کشور ما آستان تغییرات است.

### 1. سیاست خارجی و بحران هسته ای

\* سیاست خارجی جمهوری اسلامی با روی کار آمدن دولت احمدی نژاد به عقب باز گشته و از گرایش به تنش زدائی به تنش زائی بیشتر، از جهت گیری برای عادی سازی مناسبات با غرب به سیاست ادامه تقابل با آن، از تلاش برای حفظ منافع ملی به سوی ایدئولوژیک نمودن سیاست خارجی، از گسترش مناسبات دوستانه به سیاست دشمن تراشی، از تلاش برای برون رفتن از انزوا به اتخاذ سیاستهای انزواجویانه، از کوشش برای حل معضل حاد و مخاطره آمیز پروژه اتمی به تشدید بحران، گذر کرده است.

\* پافشاری بر تداوم غنی سازی اورانیوم و عدم پذیرش قطعنامه های شورای امنیت، انکار حق موجودیت اسرائیل و واقعیت تاریخی هولوکاست توسط رئیس جمهور اسلامی، حمایت از سازمانهای افراطی اسلامگرا، سیاست سیادت طلبی در منطقه، حمایت مالی، تسلیحاتی و آموزشی از حزب الله لبنان، کمک به جریان حماس و دخالت در عراق، پای جمهوری اسلامی را به درگیریهای منطقه ای و رودروئی مستقیم با آمریکا کشانده و موجبات نزدیکتر شدن مواضع اروپا با آمریکا و فاصله گرفتن روسیه و چین از جمهوری اسلامی گشته است. جمهوری اسلامی با اتخاذ سیاستها و رفتار ماجراجویانه، زمینه مساعدی را برای رشد گرایشهای جنگ طلبانه در دولت کنونی آمریکا بوجود آورده است.

\* سیاستهای جمهوری اسلامی موجب شده است که جبهه جدیدی از کشورهای مصر، اردن، عربستان سعودی و کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس علیه ایران شکل گیرد.

\* با سیاستهای ماجراجویانه جریان حاکم خطر جنگ و حمله نظامی افزایش یافته و تحریمهای بین المللی تاثیرات مخرب بر اقتصاد کشور و زندگی مردم برجای میگذارد.

### 2. سیاست داخلی

\* جریان حاکم از هنگام روی کار آمدنش در جهت بستن فضاهاى عمومی، تشدید فشار بر روزنامه نگاران، فعالین سیاسی، فرهنگی، دانشجویی و کارگری، اعمال سانسور شدید بر رسانه ها، ایجاد فضای پادگانی و امنیتی در دانشگاه ها، اعمال فشار بر فعالین جنبش زنان و سرکوب تجمعات آنها، انحلال و یا تحت کنترل در آوردن سازمانهای غیردولتی، سرکوب حرکات اعتراضی مردم در ارتباط با مسائل قومی در شهرهای آذربایجان و کردستان و دستگیری روحانیون مخالف درهم آمیزی دین و دولت عمل کرده است.

\* طبقه متوسط جامعه که خواهان اصلاح و تحول در ساختار سیاسی است و بر استقرار دموکراسی پای میفشارد، تحت فشار شدید جریان حاکم قرار دارد. جریان حاکم در صدد آن است که نقش طبقه متوسط را در تحولات سیاسی و اجتماعی به حداقل برساند. وضعیت کارگران در دوره احمدی نژاد بدتر شده و نارضایتی در میان آنها ثر فشار اقتصادی و فقدان امنیت شغلی به اوج خود رسیده است. لایه ای از بورژوازی ایران که بعد از جنگ بر بستر برنامه تعدیل اقتصادی رشد کرده بود، از سیاستهای اقتصادی دولت کنونی متضرر شده و در مقابل آن قرار گرفته است.

نارضایتی در بین لایه های کم درآمد و اقشار حاشیه ای جامعه با آشکار شدن نتایج سیاستهای پوپولیستی دولت احمدی نژاد از جمله بالا رفتن قیمت کالاها و افزایش نرخ بیکاری و با عدم تحقق وعده های انتخاباتی احمدی نژاد، گسترش یافته است.

\* تصفیه گسترده مدیران کارآمد و متخصصان با تجربه و گماردن کادرهای سپاه و دستگاه امنیتی بجای آنها از یکسو و از سوی دیگر اتخاذ تصمیمات خلق الساعه، شتابزده و غیر کارشناسانه، برخورد دستوری و از بالا با مسائل اقتصادی و اجتماعی بر ابعاد و دامنه بحران کارایی افزوده است. با وجود افزایش درآمد نفت و وجود ذخایر ارزی کلان و یکدست شدن و همسویی قوای سه گانه، عملکرد دولت احمدی نژاد در عرصه اقتصادی به کاهش آهنگ رشد تولید ناخالص ملی نسبت بسالهای قبلی، افزایش بی سابقه واردات، کاهش نرخ بهره برداری از ظرفیت تولیدی کشور، تضعیف بخش خصوصی، ورشکستگی واحدهای تولیدی و شرکتهای مقاطعه کاری، مختل شدن کارکرد بانکها و شرکتهای لیزینگ، نامساعدتر شدن فضای سرمایه گذاری و کسب و کار، بالارفتن ریسک سرمایه گذاری، خروج سرمایه های انسانی و مادی از کشور، افزایش بیسابقه قیمت مسکن، رشد لجام گسیخته میزان نقدینگی و حرکت شتابان آن به سمت شبکه دلالی، افزایش تورم و تجدید و توزیع ثروت و درآمد بریان اقشار کم درآمد جامعه، افزایش نرخ بیکاری و به تشدید شکاف طبقاتی منجر گشته است. دولت احمدی نژاد پروژه های کلان اقتصادی و نفتی را بی دریغ در اختیار سپاه و بسیج و بنیادهائی قرار میدهد که از حسابرسی، نظارت و پرداخت مالیات معاف هستند. عملکرد دولت کنونی به بحران اقتصادی کشور ابعاد جدیدی بخشیده است.

### 3. تغییرات در ساختار سیاسی جمهوری اسلامی

\* آقای خامنه ای بعنوان ولی فقیه و نماد نظام، جای پای خود را در قدرت مستحکم کرده است. قدرت فردی وی بعنوان رهبر جمهوری اسلامی نسبت به دهه های قبل افزایش قابل توجهی یافته است.

\* سپاه با حضور گسترده کادرهای آن در راس و بدنه قوه مجریه، شرکت فرماندهان سپاه در برخی از تصمیم گیریهای کلان سیاسی کشور، پروژه هسته ای و سیاست خارجی و حضور فعال در حوزه های امنیتی، اقتصادی و فرهنگی، در قدرت سیاسی با روحانیت شریک شده است.

\* شخص آقای خامنه ای و دفتر او نقش مهمی در گسترش نفوذ سپاه داشت. او در سالهای اخیر بیش از آن که به روحانیت سنتی اتکا داشته باشد، به سپاه، بسیج، ارگانهای امنیتی و جریان بنیادگرا متکی شده است. این امر به شکل گیری بلوک حاکم و قدرت گیری آن در جمهوری اسلامی انجامیده است. سران سپاه و بسیج، ارگانهای امنیتی، دولت، اکثریت مجلس، قوه قضائیه، شورای نگهبان و شورای امنیت ملی از اجزای مهم این بلوک هستند که ضمن اطاعت از برنامه ها و فرامین رهبر، در حوزه عمل خود، دارای اختیارات معینی هم می باشند. اداره کشور، سیاستگذاری و پیشبرد آنها در دست این بلوک است.

### 4. جنبشهای اجتماعی

\* بر دامنه فعالیت جنبش های اجتماعی با وجود فشارها و محدودیتها افزوده شده و آنها بتدریج نقش موثر و مهمی در صحنه سیاسی کشور ایفا میکنند. فعالیت زنان با برپائی تجمعه ها، شرکت در کانونها، انجمنها، سازمانهای غیردولتی و راه اندازی سایتها ادامه دارد. اعتراضات دانشجویان نسبت به سرکوبها و ایجاد فضای اختناق در دانشگاههای کشور گسترش یافته است. حرکات اعتراضی کارگران ابعاد وسیعی پیدا کرده است. پس از 28 سال با برآمدهای نوین سندیکائی روبرو هستیم. حرکات اعتراضی آموزگاران بی وقفه ادامه دارد. فعالین سیاسی، روزنامه نگاران، نویسندگان و هنرمندان در مقابل سانسور و اعمال فشار ارگانهای سرکوب ایستاده اند. چالش های ملی - قومی علیرغم سرکوبها تداوم یافته است.

\* ارگانهای امنیتی برای کاستن از دامنه فعالیت جنبشهای اجتماعی بر ابعاد سرکوب افزوده و هزینه فعالیت زنان، دانشجویان، کارگران و معلمان را بالا برده اند.

### 5. ارزیابی از اوضاع سیاسی کشور و آرایش نیروها

\* بلوک حاکم در عرصه داخلی بخش قابل توجهی از طبقه متوسط جدید، طبقه کارگر، بخشی از کارفرمایان کشور، لایه های کم درآمد جامعه، جنبشهای زنان، دانشجویی و کارگری، قشر معلمان و پرستاران، حرکتها قومی، نیروهای سیاسی بیرون از حکومت، فعالین فرهنگی و مطبوعاتی، نویسندگان و هنرمندان، سازمانهای غیردولتی، بخشی از روحانیون و کانونهای مذهبی، اصلاح طلبان حکومتی و برخی از شخصیتهای نظام و در عرصه بین المللی دولت امریکا، اتحادیه اروپا، روسیه، چین و کشورهای منطقه را به تقابل با خود کشانده است.

\* تکیه بلوک حاکم به سپاه، بسیج، بخشی از روحانیت، انصار حزب الله و هیاتهای مذهبی، تشکلهای سیاسی و فرهنگی وابسته به بنیادگرایان و آن اقلیتی از جامعه است که از رانت حکومتی بهره می برد. استراتژی این جریان بر این پایه استوار است که با اعمال قهر و با تکیه بر اقلیت سازمان یافته ای که مدافع سرسخت نظام است، بقیه جامعه را کنترل و ساکت کرده و سلطه خود را حفظ نماید.

\* تمرکز قدرت در دست بلوک حاکم و سیاستها و عملکردهای آن در عرصه ملی و بین المللی، صف آرایی جدیدی را در سطح نیروهای اجتماعی و سیاسی شکل داده است. در این صف آرایی در یکسو بلوک حاکم قرار دارد و در سوی دیگر طیف گسترده ای از نیروهای سیاسی و اجتماعی مخالف استبداد و جنگ. تقابل با این بلوک، طیف وسیعی از جمهوریخواهان دمکرات و سکولار که خواهان دگرگونی بنیادی در ساختار سیاسی کشور هستند تا نیروهایی که با سیاستهای دولت احمدی نژاد و جریان حاکم مخالفند، را در برمیگیرد. طیف نیروهای مخالف و منتقد جریان حاکم در طول حیات جمهوری اسلامی تا این حد گسترده نبوده است.

\* جریان حاکم علیرغم بستن فضاها و تشدید فشارها بجهت مقاومت جامعه مدنی و جنبشهای اجتماعی قادر نشده است که فضای سیاسی کشور را بسالهای قبل از دوم خرداد برگرداند.

\* جریان حاکم بمثابه نیروی اقتدارگرا نتوانست جناحهای دیگر حکومتی را از صحنه سیاسی کشور حضور دارند.

\* با شکل گیری بلوک حاکم از دامنه کشمکش درون جمهوری اسلامی در مقایسه با دوره قبل کاسته شده و هماهنگی بین ارگانها افزایش یافته است. با این وجود در درون جریان حاکم دستجات مختلف وجود دارند که نگاه و برنامه آنها متفاوت بوده و منافع و خواسته های آنها در تضاد با هم قرار گرفته است. این امر به کشاکش در درون جریان حاکم و تضعیف موقعیت آن منجر گردیده است.

\* با رانده شدن اصلاح طلبان از قدرت، از میزان تاثیرگذاری آنها بر سیاست کشور بشدت کاسته شد. با این وجود، آنها بر تداوم اصلاحات در جمهوری اسلامی پای می فشارند. اصلاح طلبان در دو سال گذشته موفق شدند چالشهای درونی خود را مهار و ائتلاف بزرگی را برای شرکت در انتخابات شوراهای محلی تشکیل و موقعیت خود را بهبود بخشند.

\* رفسنجانی که موقعیتش در انتخابات دوره نهم ریاست جمهوری تضعیف شده بود با موضع گیری علیه برخی سیاستهای جریان حاکم و حمایت اصلاح طلبان از او، توانست موقعیت خود را در جریان انتخابات مجلس خبرگان بهبود بخشد و در جهت شکل دهی آترناتیو جریان حاکم در درون جمهوری اسلامی گام بردارد.

\* موقعیت راست سنتی که در سالهای گذشته تضعیف شده بود، در انتخابات شوراهای محلی و خبرگان تقویت گردید. راست سنتی از سیاستها و تمامیت خواهی های جریان حاکم ناراضی است ولی بخاطر پیوندهایش با ولی فقیه و مخالفتش با اصلاح طلبان، نمیتواند بسادگی از آن بگسلد.

\* با حدت یافتن بحران دولت - ملت، بحران کارائی و اقتصادی، تعمیق شکافهای اجتماعی و گسترش طیف نیروهای منتقد و مخالف و رشد پتانسیل حرکات اعتراضی و تشدید فشارهای بین المللی، موقعیت بلوک حاکم تضعیف و از امکانات و

\* با تشدید تقابل و تنش بین جمهوری اسلامی و جامعه جهانی، صفبندیهای موجود در بین نیروهای سیاسی تغییر کرده و صفبندیهای جدیدی بر پایه این شکاف شکل میگیرد. برحسب کیفیت اقدامات بین المللی، شکاف موجود در بین جناحهای حکومتی میتواند ژرفتر شود و یا بالعکس به نزدیکی و فشردگی صفوف آنها منجر گردد.

\* بلوک حاکم وضعیتی آسیب پذیر و شکننده پیدا کرده است. بلوک حاکم از همه سو تحت فشار قرار داد. در صورت تداوم و تشدید فشارهای بین المللی، گسترش بحران کارائی و اقتصادی و رشد اعتراضات در داخل کشور، این احتمال وجود دارد که آرایش نیروهای سیاسی بزبان بلوک حاکم تغییراتی یابد.

### سیاستهای ما

#### 6. در عرصه داخلی

\* به چالش کشیدن بلوک حاکم و مبارزه برای تامین آزادیهای سیاسی، حقوق بشر و عدالت اجتماعی، بسیج کننده ترین و نافذترین سیاست در راستای تامین هدف استراتژیک ما است. در این ارتباط مقاومت و سازماندهی مقاومت به اشکال مختلف در مقابل بلوک حاکم و افشای سیاستها و عملکردهای آن امری است میرم.

\* آزادی، دموکراسی، صلح و امنیت اجتماعی در حال حاضر شعار فراگیری است که میتواند نیروهای مخالف جنگ و مدافع آزادی و دموکراسی را علیرغم تفاوت نگرشها، برنامه ها و مشی سیاسی گرد بیاورد.

\* ما از گسترش مبارزات اعتراضی و مطالباتی در میان زنان، دانشجویان و جوانان، کارگران، معلمان، روشنفکران و دیگر گروه ها و اقشار اجتماعی با خواست های ترقی خواهانه دفاع می کنیم و بر پیوندیابی آنها با یکدیگر و سمتگیری برای استقرار دموکراسی در کشور نظر داریم.

\* کار فکری - فرهنگی برای اشاعه اندیشه دموکراسی و بر تقویت نهادهای مدنی و ایجاد و گسترش آنها که لازمه پیشبرد استراتژی تحول دموکراتیک جامعه و سنگ بنای یک جامعه دموکراتیک هستند، امری است ضرور.

\* ما بر اتحاد وسیع نیروهای جمهوریخواه دمکرات و سکولار تاکید داریم.

#### 7. در عرصه سیاست خارجی و بحران هسته ای

\* خواست ما تغییر اساسی در سیاست خارجی کشور و گزینش راه مذاکره و تقویت همکاری با جامعه بین المللی است. منافع ملی ما نه در محور این و یا آن کشور، بلکه در بسط تعامل با همه دولت های عضو سازمان ملل، از جمله آمریکا و اسرائیل و همکاری و همپیوندی با جامعه جهانی نهفته است.

\* تکنولوژی هسته ای به طور اعم مورد مناقشه با جامعه جهانی نیست. حتی کاربرد این تکنولوژی برای تهیه انرژی نیز مورد اختلاف نیست. آنچه که مورد کشمکش است چرخه سوخت و غنی سازی است که میتواند کاربرد دوگانه داشته باشد. ما ضمن تأیید حق همه کشورهای برای به خدمت گرفتن تکنولوژی غنی سازی اورانیوم منطبق با منافع ملی شان بر این باوریم که در لحظه کنونی جمهوری اسلامی برای جلب اعتماد بین المللی باید روند غنی سازی اورانیوم را متوقف کند و به خواست شورای امنیت پاسخ مثبت دهد. به سود کشور ما است که پروژه هسته ای از طریق جلب اعتماد جهانی و آژانس بین المللی انرژی اتمی پی گرفته شود.

\* ما خواهان اعمال فشارهای سیاسی و دیپلماتیک مجامع بین المللی به جمهوری اسلامی برای رعایت حقوق بشر و تامین آزادیهای سیاسی و دموکراتیک در کشور هستیم. اما با تحریم اقتصادی و اقدامات نظامی علیه ایران مخالفیم و معتقدیم که اقدام نظامی برای کشور ما و منطقه فاجعه آفرین خواهد بود.

\* ما از مذاکره مستقیم بین جمهوری اسلامی و دولت امریکا استقبال میکنیم و آن را در خدمت حل بحران هسته ای و پایان دادن به خصومت دیرینه بین دو کشور میدانیم.

\* ما قاطعانه با تقویت سازمانهای اسلامی افراطی و تروریسم از سوی جمهوری اسلامی و مداخلات این حکومت در امور دیگر کشورها از یکسو و از سوی دیگر با سلطه طلبی دولت بوش، اشغال نظامی کشورها و سیاستهای نظامی گرانه آن در خاورمیانه مخالفیم.